

مشهورترین لقب و صفات و مناقب امام رضا علیه السلام

ابن طلحه می گوید: (۱) ... اینک سخن درباره سومین علی یعنی علی الرضا علیه السلام است و هر که به دقت بنگرد برآستی او را وارث ایشان می یابد و حکم می کند که وی سومین علی (۲) است. ایمان و مقام و منزلتش والا و توانمندی وی گسترده و یارانش فراوان و برهانش هویدا و آشکار است تا آن جا که مامون خلیفه عباسی او را از خواص خود قرار داد و در مملکت خویش شریک ساخت و امر جانشینی خویش را به او واگذارد و دخترش را به همسری او درآورد.

• کنیه ها

ابوالحسن و ابوعلی

• لقب ها

رضا، صابر، زکی، ولی، فاضل، وفی، صدیق، رضی، سراج الله، نورالهدی، قره عین المؤمنین، مکیده الملحدین، کفوالمملک، کافی الخلق، رب السیریر، و رثاب التدبیر

• مشهورترین لقب

مشهورترین لقب آن حضرت «رضا» است و در سبب این لقب گفته اند: «او از آن روی رضا خوانده شد که در آسمان خوشایند و در زمین مورد خشنودی پیامبران خدا و امامان پس از او بود. همچنین گفته شده: از آن روی که همگان، خواه مخالفان و خواه همراهان به او خشنود بودند. سرانجام، گفته شده است: از آن روی او رضا خوانده اند که مأمون به او خشنود شد.»

• مناقب و صفات آن حضرت (علیه السلام)

خداوند برخی از آنها را به او اختصاص داده تا به علو مقام و ارجمندی اش گواهی دهند.

ابن طلحه بخشی از کرامات آن حضرت را بیان کرده که ((ان شا الله)) ما بعضی از آنها را نقل خواهیم کرد.

شیخ مفید - رحمه الله - از یزید بن سلیط ضمن حدیثی طولانی از ابوابراهیم امام کاظم علیه السلام نقل کرده است که در همان سال رحلتش فرمود: ((من امسال از دنیا می روم و امر ولایت به پسر علی همنام دو علی می رسد؛ اما علی اول، علی بن ابی طالب علیه السلام و علی دیگر، علی بن حسین علیه السلام است، علم و حلم، نصرت و محبت، ورع و دیانت اولی و محنت پذیری و صبر بر شداید دومی را به او داده اند. (۳)

علی بن عیسی اربلی - رحمه الله - در فصلی که بخشی از خصایص و مناقب و اخلاق کریمه امام رضا علیه السلام را نقل کرده، (۴) به نقل از ابراهیم بن عباس می گوید: من هرگز ندیدم که چیزی را از امام رضا علیه السلام پیرسند و او نداند و در روزگاران تا زمان او کسی را داناتر از او سراغ ندارم، مامون درباره هر چیزی به عنوان آزمون از او می پرسید و او پاسخ می داد در حالی که تمام سخن و پاسخ و استشهاد وی برگرفته از قرآن مجید بود.

هر سه روز یک مرتبه قرآن را ختم می کرد و می فرمود: ((اگر بخواهم کمتر از سه روز ختم کنم . می توانم ولی من هرگز بر آیه ای نمی گذرم مگر اینکه درباره آن می اندیشم و درباره شان نزولش فکر می کنم.))

شب هنگام، کم خواب و بیشتر روزها روزه دار بود.

در هر ماه سه روز، روزه اش ترک نمی شد. کار خیر بسیار می کرد و صدقه نهانی بسیار می داد که بیشتر آن در شبهای تاریک بود. بنابراین هر که گمان کند نظیر او در فضیلت دیده است، باور نکن. (۵)

از محمد بن عباد نقل کرده، می گوید: حضرت رضا علیه السلام تابستان روی حصیر و زمستان روی پلاس می نشست، تن پوشش جامه ای خشن بود اما در حضور مردم بالباس آراسته ظاهر می شد. (۶)

از اباصلت، عبدالسلام بن صالح هروی نقل کرده که می گوید: من داناتر از علی بن موسی الرضا علیه السلام را ندیدم و هیچ عالمی هم او را ندیده مگر این که مانند من درباره او گواهی داده است. مامون گروهی از دانشمندان ادیان و فقهای شریعت و متکلمان را در چندین مجلس با آن حضرت رو به رو کرد و آن حضرت سرانجام بر همه غالب شد تا آنجا که کسی از ایشان نماند مگر آن که به فضل آن وجود گرامی اقرار کرد و به ناچیزی خویش اعتراف نمود.

من از آن حضرت شنیدم که می گفت: ((در روضه پیامبر صلی الله علیه و اله می نشستم در حالی که بسیاری از علمای مدینه در آن جا بودند. وقتی که یکی از آنها از حل مساله ای فرو می ماند همگی به من اشاره می کردند و مسائل را نزد من می فرستادند و من جواب می دادم.)) (۷)

ابوالصلت می گوید: محمد بن اسحاق بن موسی از قول پدرش نقل می کند که موسی بن جعفر علیه السلام به پسرش می گفت: ((این برادر شما علی بن موسی عالم آل محمد

صلی اللہ علیہ و آلہ است، مسائل دینتان را از او پرسید و آنچه را که می گوید حفظ کنید؛ زیرا من از پدرم جعفر بن محمد علیہ السلام شنیدم که به من فرمود: عالم آل محمد صلی اللہ علیہ و آلہ در صلب تو است، کاش من او را درک می کردم که او همان امیر المؤمنین علیہ السلام است)). (۸)

• اخلاق و منش امام:

خصوصیات اخلاقی و زهد و تقوای آن حضرت به گونه‌ای بود که حتی دشمنان خویش را نیز شیفته و مجذوب خود کرده بود. با مردم در نهایت ادب تواضع و مهربانی رفتار می کرد و هیچ گاه خود را از مردم جدا نمی نمود.

یکی از یاران امام می گوید: "هیچ گاه ندیدم که امام رضا (علیه السلام) در سخن بر کسی جفا ورزد و نیز ندیدم که سخن کسی را پیش از تمام شدن قطع کند. هرگز نیازمندی را که می توانست نیازش را برآورده سازد رد نمی کرد در حضور دیگری پایش را دراز نمی فرمود. هرگز ندیدم که کسی از خدمتکارانش بدگویی کند. خنده او قهقهه نبود بلکه تبسم می فرمود. چون سفره غذا به میان می آمد، همه افراد خانه حتی دربان و مهتر را نیز بر سر سفره خویش می نشاند و آنان همراه با امام غذا می خوردند. شبها کم می خوابید و بسیاری از شبها را به عبادت می گذراند. بسیار روزه می گرفت و روزه سه روز در ماه را ترک نمی کرد. کار خیر و انفاق پنهان بسیار داشت. بیشتر در شبهای تاریک، مخفیانه به فقرا کمک می کرد." یکی دیگر از یاران ایشان می گوید: "فرش آن حضرت در تابستان حصیر و در زمستان پلاسی بود. لباس او در خانه درشت و خشن بود، اما هنگامی که در مجالس عمومی شرکت می کرد، خود را می آراست (لباسهای خوب و متعارف می پوشید). شبی امام میهمان داشت، در میان صحبت چراغ ایرادی پیدا کرد، میهمان امام دست پیش آورد تا چراغ را درست کند، اما امام نگذاشت و خود این کار را انجام داد و فرمود: "ما گروهی هستیم که میهمانان خود را به کار نمی گیریم."

• برتری و شرافت

شخصی به امام عرض کرد: "به خدا سوگند هیچکس در روی زمین از جهت برتری و شرافت اجداد، به شما نمی رسد." امام فرمودند: "تقوی به آنان شرافت داد و اطاعت پروردگار، آنان را بزرگوار ساخت."

مردی از اهالی بلخ می گوید: "در سفر خراسان با امام رضا (علیه السلام) همراه بودم. روزی سفره گسترده بودند و امام همه خدمتگزاران حتی سیاهان را بر آن سفره نشاند تا

همراه ایشان غذا بخورند. من به امام عرض کردم: "فدایت شوم بهتر است اینان بر سفره‌ای جداگانه بنشینند." امام فرمود: "ساکت باش، پروردگار همه یکی است. پدر و مادر همه یکی است و پاداش هم به اعمال است"

یاسر، خادم حضرت می گوید: «امام رضا (علیه السلام) به ما فرموده بود: "اگر بالای سرتان ایستادم (و شما را برای کاری طلبیدم) و شما مشغول غذا خوردن بودید بر نخیزید تا غذایتان تمام شود. به همین جهت بسیار اتفاق می افتاد که امام ما را صدا می کرد و در پاسخ او می گفتند: "به غذا خوردن مشغولند." و آن گرامی می فرمود: "بگذارید غذایشان تمام شود"

یکبار غریبی خدمت امام رسید و سلام کرد و گفت: "من از دوستان شما و پدران و اجداداتان هستم. از حج بازگشته‌ام و خرجی راه را تمام کرده‌ام اگر مایلید مبلغی به من مرحمت کنید تا خود را به وطنم برسانم و در آنجا معادل همان مبلغ را صدقه خواهم داد زیرا من در شهر خویش فقیر نیستم و اینک در سفر نیازمند مانده‌ام." امام برخاست و به اطاقی دیگر رفت و از پشت در دست خویش را بیرون آورد و فرمود: "این دویست دینار را بگیر و توشه راه کن و لازم نیست که از جانب من معادل آن صدقه دهی." آن شخص نیز دینارها را گرفت و رفت. از امام پرسیدند: "چرا چنین کردید که شما را هنگام گرفتن دینارها نیند؟" فرمود: "تا شرمندگی نیاز و سوال را در او نینم."

• مراقبت ویژه

امامان معصوم و گرامی ما در تربیت پیروان و راهنمایی ایشان تنها به گفتار اکتفا نمی کردند و در مورد اعمال آنان توجه و مراقبت ویژه ای مبذول می داشتند.

یکی از یاران امام رضا (علیه السلام) می گوید: «روزی همراه امام به خانه ایشان رفتم. غلامان حضرت مشغول بنایی بودند. امام در میان آنها غریبه‌ای دید و پرسید: "این کیست؟" عرض کردند: "به ما کمک می کند و به او دستمزدی خواهیم داد." امام فرمود: "مزدش را تعیین کرده‌اید؟" گفتند: "نه هر چه بدهیم می پذیرد." امام برآشفتم و به من فرمود: "من بارها به اینها گفته‌ام که هیچکس را نیاورید مگر آنکه قبلاً مزدش را تعیین کنید و قرارداد ببندید. کسی که بدون قرارداد و تعیین مزد، کاری انجام می دهد، اگر سه برابر مزدش را بدهی باز گمان می کند مزدش را کم داده‌ای ولی اگر قرارداد ببندی و به مقدار معین شده پردازی از تو خشنود خواهد بود که طبق قرار عمل کرده‌ای و در این

صورت اگر بیش از مقدار تعیین شده چیزی به او بدهی، هر چند کم و ناچیز باشد؛ می‌فهمد که بیشتر پرداخته‌ای و سپاسگزار خواهد بود.

خادم حضرت می‌گوید: «روزی خدمتکاران میوه‌ای می‌خوردند. آنها میوه را به تمامی نخورده و باقی آنرا دور ریختند. حضرت رضا (علیه السلام) به آنها فرمود: " سبحان الله اگر شما از آن بی‌نیاز هستید، آنرا به کسانی که بدان نیازمندند بدهید. »

پی نوشت ها:

۱. مطالب السؤال ص ۸۴
۲. علی بزرگ و عالیقدر و شریف .
۳. ارشاد، ص ۲۸۵.
۴. ((كشف الغمه)) ص ۲۷۴.
۵. همان ماخذ، ص ۲۷۳.
۶. همان ماخذ، همان .
۷. همان ماخذ، همان .
۸. همان ماخذ، همان .